

آنالیز روانشناختی گلستان سعدی

تألیف:

ابوالفضل حسینی قیداری

www.ketab.ir

سرشناسه	: حسینی قیداری، ابوالفضل، ۱۳۵۹-
عنوان و نام پدیدآور	: آنالیز روانشناختی گلستان سعدی / تالیف ابوالفضل حسینی قیداری.
مشخصات نشر	: تبریز: انتشارات انس، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ۲۳۲ ص.
شابک	: ۱۲۰۰۰ ریال: ۳-۲۰-۷۲۵۷-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: واژه نامه.
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۲۱۹.
موضوع	: سعدی، مصلح بن عبدالله - ۶۹۱ ق -- معلومات - روان پزشکی
موضوع	: شعر فارسی -- قرن ۷ ق. تاریخ و نقد
رده بندی کنگره	: ۵۲۱۷ / ۹ ح ۵ ۱۹۴ PIR
رده بندی دیویی	: ۱/۳۱ فا ۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۷۲۸۳



آنالیز روانشناختی گلستان سعدی

گردآورنده و مؤلف:	 ابوالفضل حسینی قیداری
طراح جلد:	 مهتدیس محسن حسینی
حروفچین و صفحه آرا:	 مریم خیلری
ناشر:	 انس
چاپخانه و صحافی:	 سهند شهر صحافی
نوبت چاپ:	 اول ۱۳۹۴
تعداد صفحه:	 ۲۳۲ صفحه وزیری
تیراژ:	 ۵۰۰ نسخه
شابک:	 ۹۷۸-۶۰۰-۷۲۵۷-۲۰-۳

ISBN: 978-600-7257-20-3

Email: ons_pab@yahoo.com

حق چاپ محفوظ می باشد.

تبریز- خیابان مصلی (ارک جدید)، مابین طالقانی و ارتش، انتشارات انس

تلفن: ۳۵۵۶۰۸۶۶ همراه: ۰۹۱۴۴۱۴۳۶۱۳

قیمت: ۱۲۰۰۰ ریال

فهرست مندرجات

۱	پیشگفتار
۳	مقدمه
۷	فصل اول: مدیریت خشم
۱۵	فصل دوم: ریاکاری و نظریه ناهماهنگی شناختی
۲۹	فصل سوم: اصل مجاورت گشتالت
۳۷	فصل چهارم: الگو و سرمشق گیری
۴۹	فصل پنجم: تأثیر دوران کودکی در شکل گیری شخصیت فرد
۵۷	فصل ششم: نظریه یادگیری
۶۵	فصل هفتم: عوامل محیطی
۷۱	فصل هشتم: تأیید طلبی
۷۹	فصل نهم: تعمیم
۸۷	فصل دهم: تقویت و تنبیه
۱۰۵	فصل یازدهم: فداکاری
۱۱۳	فصل دوازدهم: نصیحت
۱۲۱	فصل سیزدهم: انسان گرایی
۱۴۹	فصل چهاردهم: نظارت ورزی و غیرت در مردان
۱۶۵	فصل پانزدهم: روابط با دیگران
۱۷۵	فصل شانزدهم: روش غرقه سازی
۱۸۳	فصل هفدهم: وراثت و تفاوت های فردی
۱۹۷	فصل هجدهم: معنادارمانی
۲۱۵	فصل نوزدهم: نتیجه گیری
۲۱۹	فهرست منابع
۲۲۲	واژه نامه

پیشگفتار

ابومحمد مُصلِح الدین بن عبدُالله نامور به سعدی شیرازی و مشرف‌الدین (۵۸۵ یا ۶۰۶-۶۹۱ هجری قمری، برابر با: ۵۶۸ یا ۵۸۸-۶۷۱ هجری شمسی) شاعر و نویسنده‌ی پارسی‌گوی ایرانی است. آوازه‌ی او بیشتر به خاطر نظم و نثر آهنگین، گیرا و قوی اوست. جایگاهش نزد اهل ادب تا بدان جاست که به وی لقب استاد سخن و شیخ اجل داده‌اند. آثار معروفش کتاب گلستان در نثر و بوستان در بحر متقارب و نیز غزلیات و دیوان اشعار اوست که به این سه اثر کلیات سعدی می‌گویند.

اهل ادب و پژوهشگران بر این عقیده‌اند که سعدی شیرازی یکی از جمله کسانی است که جوامع مختلف را مشاهده کرده و از نزدیکی با فرهنگ و رفتار آنان آشنا بوده است. او از جوانی و پیری و کودکی و حالات و رفتارهای این دوران سخن گفته است. چنان‌که خود می‌گوید با شاه و وزیر و درویش و رعیت حشر و نشر داشته و شاهد میاحضات علما و قاضیان نیز بوده است. از یاران سفر و حضر و رفتارهای ایشان نیز سخن گفته است. وی در این سخنان مخصوصاً در کتاب گلستان به برخی از واقعیات زندگی انسان یعنی رفتارهای او اشاره کرده است. گلستان کتابی است که سعدی یک‌سال پس از اتمام بوستان، کتاب نخستش، آن را به نثر آهنگین فارسی در هشت باب «سیرت پادشاهان»، «اخلاق درویشان»، «فضیلت قناعت»، «فوائد خاموشی»، «عشق و جوانی»، «ضعف و پیری»، «تأثیر تربیت»، و «آداب صحبت» نوشته است. این کتاب به گمانی تأثیرگذارترین کتاب نثر در ادبیات فارسی است. سعدی روانشناسی بزرگ است که در بیان بعضی از مسایل تربیتی چون تأثیر عوامل ارثی و محیط در رفتار فرد، نقش تنبیه و تشویق در تغییر رفتار دانش‌آموز از وظایف معلم و رسالت اندیشمندان و دانایان جامعه در تحکیم ارزش‌های انسانی و عدالت حاکمان و هوشمندی معنوی بسیار موشکافانه و دقیق برخورد می‌نماید. علاوه بر تأثیر محیط و وراثت در پرورش انسان‌ها به عوامل دیگر چون تفاوت‌های فردی، مکانیزم‌های دفاعی، تمایلات و خواسته‌ها و نیازهای اساسی افراد و تجربیات گذشته را نیز مؤثر می‌داند.

در تربیت اخلاقی، شناخت خیر از شر، درک میزان‌های اخلاقی و انتخاب اصول صحیح روانشناسی و رعایت موازین انسانی و اخلاقی در زندگی روزمره سعدی جایگاه بسیار مهم و اساسی دارد یعنی کار استاد این است که به فرد کمک کند تا خود به تدریج خوب و بد را تشخیص دهد، با موازین اخلاقی آشنا گردد، میزان‌های اساسی را انتخاب کند و عملاً رفتارهای خویش را با این موازین هماهنگ سازد و به مرحله‌ی تکامل روحی و معنوی و در نهایت به خودکوفایی نائل شود.

می‌دانیم که همواره نخستین و مهم‌ترین کارکرد گفتمانی سعدی در ایران کارکرد تعلیمی آثار او بوده است. در کتاب‌های درسی و در مکتب‌خانه‌ها پیش از همه، نوشته‌های سعدی را به کودکان درس می‌داده‌اند. علی‌دشتی در کتاب قلمرو سعدی از این کارکرد گفتمانی سعدی یاد می‌کند و می‌گوید: «گلستان کتابی است ارجمند و از حیث انشاء روشن و بی‌مانند و از همین روی رایج‌ترین کتاب‌های درسی شده و آن را شاهکار سعدی دانسته‌اند. همین روانی و فصاحت، مانند جلا و برق خیره‌کننده‌ی بر مطلب به آن پاشیده شده و چشم‌ها را از غور در ماهیت آن باز داشته است. در اذهان عمومی، گلستان کتابی است اخلاقی و سراسر پند و موعظه و محشون از حکمت و نشان دادن راه و رسم زندگی. پرگمانیسم در گلستان سعدی بازتاب یافته که آیین پرماجرای اوست. در اینکه گلستان‌خواهی مطالب اخلاقی است، تردیدی نیست. علاوه بر این به واسطه حکایت‌های گوناگون وضع اجتماعی ایران و طرز فکر و آداب جاریه را نشان می‌دهد.» (نقل از: عابدی، ۱۳۹۱: ۱۹۳)

هرچند علت و سبب این رفتارهای مختلف انسانی را در گزارش گلستان به وضوح نیاورده اما از آننجایی که این گزارش‌ها مربوط به حالات مختلف آدمی است، امروزه بسیاری از این گفته‌های سعدی از منظر روانشناسی معاصر، تأیید و قابل تأمل می‌باشند. در حالی که بسیاری از رسایل معاصر علم روانشناسی برطوطراق و خسته‌کننده است، کتاب پرجاذبه گلستان سعدی، حتی امروز بسیار راحت خوانده می‌شود. اثر او واضح، تحلیلش منطقی و نظام‌مند، مثال‌هایش روشن و آگاهی‌بخش است. کوتاه سخن آن که مفاهیم هسته‌ای روانشناسی و اخلاقیات انسانی، ارزش ذهنی، تحلیل نهایی، فردگرایی روش شناختی، مراحل رشد انسان و غیره که به صورت غیرسیستماتیک و مختصر و مفید، که همراه با تجربیات ناب، کتاب گلستان را شکل می‌دهد. شعر سعدی بذریقین در دل‌ها می‌کارد. از آنجا که دانسته‌های بشری مرز نمی‌شناسند و تحلیل اینجانب نیز بی‌عیب و کاستی نمی‌باشد. شاید بی‌تناسب با فرموده حکیم عمر خیام نباشد که:

هرگز دل من ز علم محروم نشد کم ماند ز اسرار که معلوم نشد
هفتاد و دو سال فکر کردم شب و روز معلوم شد که هیچ، معلوم نشد

سعدی توانسته پاسخگوی خیلی از معضلات و تعارضات روحی و روانی افراد و جامعه‌ی آن زمان و حتی اکنون نیز باشد و در راستای ایجاد آرامش آنها مؤثر و تعارضات روانی را تقلیل دهد و به تعادل برساند و روان‌های متعادل و مستعد را نیز تعالی بخشد. کتاب حاضر از زوایای دیگری به تحلیل روانشناختی گلستان سعدی، به عنوان یک اثر معروف در ادبیات فارسی، پرداخته است. با توجه به دشواری قرار دادن گستره‌ی وسیع تحلیل اثر ادبی ظریف و پیچیده‌ای مانند گلستان در یک کتاب، گزیده‌هایی از این اثر، مورد بررسی قرار می‌گیرند. این کتاب بر آنست تا نظرات سعدی را در حکایت‌ها و اشعار گلستان با نظریه‌های روانشناسی جدید مقایسه کند و دریابد که این سخنان تا چه اندازه در مورد انسان و رفتارهای او از منظر روانشناسی قابل تطبیق و بررسی می‌باشند. گلام پایانی با سخنی از سعدی:

دل ای رفیق درین کاروانسرای مبد، که خانه ساختن آیین کاروانی نیست

ابوالفضل حسینی قیداری - مهر ماه ۱۳۹۴

مقدمه:

روش‌نگری سعدی در آسمان ادب فارسی نه تنها بر ادیبان و فضلا بلکه بر مردم عادی نیز پوشیده نیست. سادگی و روانی زبان و معانی عمیق سخن او چنان شهرتی برایش دارد که تا اواخرالزمان نیز پا برجا خواهد بود. دکتر اردکانی می‌گوید: کسی در قرن هفتم هجری در بدترین اعصار تاریخی کشور زندگی می‌کند و تمام آثارش زنده می‌ماند؛ در واقع او عین زمان است. سعدی زبان ما است و هیچ گاه فراموش نمی‌شود. به همین دلیل است که ما با هر طبقه‌ای از اجتماع برخورد می‌کنیم، از یک کارگر گرفته تا بازاری، بازیگران، مجریان رادیو و تلویزیون، دانشجویان و استادان دانشگاه به گونه‌ای از گفته‌های سعدی توشه برمی‌گیرند. سعدی در لحظه لحظه‌ی زندگی ما حضور دارد و به جاست که فروغی در مورد او گفته است:

«هر روز ما بی‌سختی از او نمی‌گذرد و زبان ما انگار بی‌کلام او رنگ و روی ندارد.» (مقدمه سعدی، ۱۳۷۱: ۴)

سعدی با نوشتن گلستان، نه تنها سبک نگارش را در مقامات تغییر داد، بلکه طرز تفکر و طرح داستان‌سازی را نیز به کلی عوض نمود. از سویی از التزام مصرانه به صنایع بدیعی چشم پوشید و تناسب دلپذیری میان فرم و محتوا به وجود آورد. عمده قصه‌های گلستان ساختار مقامه را دارند و به لحاظ موضوع به حوزه ادب تعلیمی تعلق دارند. بخش قابل توجهی از حکایت‌های گلستان را می‌توان کهن الگوی داستان‌های مینی‌مال یا کمینه‌گرایی امروز دانست. این حکایات از ساختی بسیار موجز برخوردارند و به معنی واقعی کلمه، تنها یک لحظه‌ی کوتاه از زندگی را به نمایش می‌گذارند.

مباحث معیشتی و معلومات و تبعات و پراگماتیسم سعدی در گلستان بازتاب یافته که آینه برعکس اوست. واژه پراگماتیسم مشتق از لفظ یونانی^۱ و به معنی عمل است. این واژه اول بار توسط چارلز سندرز پرس^۲، منطق‌دان آمریکایی به کار برده شد. مقصود او از به کار بردن این واژه، روشی برای حل کردن و ارزشیابی مسائل عقلی بود. اما به تدریج معنای پراگماتیسم تغییر کرد.

اکنون، پراگماتیسم به نظریه‌ای مبدل شده که می‌گوید: حقیقت، چیزی است که از دیدگاه انسان، خوب باشد. به سخن دیگر، پراگماتیسم یعنی اینکه درباره هر نظریه یا آموزه‌ای باید بر پایه نتایجی که از آن به دست می‌آید، داوری کرد. به نظر پراگماتیست‌ها، اگر عقیده‌ای به نتیجه خوب و کار آمد برای انسان بینجامد، باید آن را حقیقی قلمداد کرد. حقیقت چیزی نیست که مستقل و مجرد از انسان وجود داشته باشد. تا قبل از این، نظریه اصلی و رایج درباره حقیقت این بود که حقیقت امری است جدا از انسان؛ چه کسی آن را بشناسد، چه نشناسد. اما پراگماتیسم قائل به این شد که حقیقت امر جدایی از انسان نیست؛ بلکه تنها دلیل برای اینکه یک نظر درست و حقیقی است و یک نظر، باطل و خطا، این است که اولی در عمل به درد انسان بخورد و برای او کارآمد و موثر باشد و دیگری چنین نباشد. به این ترتیب، معنای صدق قضیه در پراگماتیسم تغییر یافت. صدق هر گزاره، فقط توسط نتایج عملی آن سنجیده می‌شود نه در مقایسه با واقعیت خارجی. یک فکر یا عقیده تا وقتی که فقط عقیده است، به خودی خود نه صحیح است و نه غلط؛ بلکه فقط در جریان آزمایش و کاربرد عملی آن است که برحسب نتایجی که از آن نظر گرفته می‌شود، صادق یا کاذب می‌شود.

^۱ - pragma.

^۲ - Charles sanders pierce.

مثلاً دین از نظر فلسفه مدرن جای بحث ندارد چون علمی نیست ولی پراگماتیسم آن را با توجه به کاربردش که
فوایدی هم برای بشر دارد (اخلاقی، اجتماعی و غیره)، می‌پذیرد.

در گلستان سعدی، افکار و عقاید همچون ابزارهایی هستند برای حل مسائل و مشکلات بشر؛ تا زمانی که اثر
مفیدی دارند، صحیح و حقیقی‌اند و پس از آن غلط و خطا می‌شوند. به این ترتیب عقیده‌ای ممکن است مدتی به کار آید
و موثر شود و از این رو فعلاً حقیقی است؛ لیکن بعداً ممکن است نتایج رضایت‌بخش نداشته باشد و آن موقع، به
نظریه‌ای باطل و خطا تبدیل می‌گردد.

قرآن کریم تصریح دارد که خداوند تورات را به وحی خویش بر موسی (ع) نازل فرموده است (آل عمران، ۳/ مائده،
۴۴) و گفته شده است که در تورات «حکم الله» نازل شده است (مائده، ۴۳) و عیسی (ع) تصدیق کننده آن شمرده شده
است (مائده ۴۶) و گفته شده است که پیامبر اسلام (ص) نیز تصدیق کننده آن است (سوره صف، ۶) و یهودیان به «اقامه
تورات» تشویق شده‌اند (مائده، ۶۶-۶۸) و در آیه مشهوری (سوره جمعه، ۵) آمده است که کسانی که تورات بر آنان
عرضه شده و سپس حق آن را چنانکه باید و شاید به جای نمی‌آورند همانند درازگوشی هستند که کتاب‌هایی حمل
می‌کند.

عالیجناب سعدی در باب هشتم، در آداب صحبت: گفتار سه در اشاره به مضمون همین آیه است که کاملاً اعتقاد او
به عمل‌گرایی را نشان می‌دهد، می‌فرماید:

حکایت: دو کس رنج بیهوده بردند و سعی می‌فایده کردند. یکی آنکه اندوخت و نخورد و دیگر آنکه آموخت و نکرد؛

علم چندانکه بیشتر خولی	چون عمل در تو نیست نادانی
نه محقق بود نه دانشمند	جاری‌بانی بر او کتابی چند
آن تهی مغز را چه علم و خبر	که بپرو هیزم است یا دفتر

زندگی فردی هر انسان دو دسته مسایل دارد: یکی ظرفیت‌های مربوط به آینده و دیگری مسایلی است که اکنون با
آن روبه‌رو هستیم. به همین دلیل در روانشناسی چنین چالشی وجود دارد که ما تا کجا عمل‌گرا رفتار کنیم و تا کجا به
بررسی بپردازیم. اتفاقاً در اشعار سعدی نوعی نگاه عمل‌گرایانه وجود دارد. سعدی می‌گوید:

«کنونت که دستت خاری بکن دگر کی براری تو دست از کفن؟»

کندن خار را یک بار می‌توانیم به همان معنای ساده‌اش بگیریم، یک بار نیز می‌توانیم به آن وسعت معنایی بدهیم و
آن را به مجموعه‌ای از مشکلاتی که پیش روی تحقق یک هدف وجود دارد، فرض کنیم. در مدیریت می‌گویند که
هرگاه بخواهیم به هدفی برسیم، اگر مانعی روبه روی ما باشد، اسم این مانع مسأله خواهد بود. پس مسأله عبارت است از
فاصله‌ای بین آن چه داریم و آن چه می‌خواهیم. مدیران اگر فرصت‌ها را از دست بدهند، ممکن است سرنوشت یک
سازمان را دگرگون کنند. سعدی در آن بیت به ما نمی‌گوید رها کن، بلکه توصیه می‌کند پیش از آن که فرصت عمل را
از دست بدهیم، خاری را جدا کنیم. این تأکید بر ناپایداری فرصت‌ها برای انجام یک عمل است.

در بحث مدیریت دانش از دو دانش سخن گفته می‌شود، یکی دانش مکتوب و دیگری دانشی که در سینه‌ی آدمی
هست و در حین کار فر گرفته شده است. این دانش را تجربه می‌نامیم. اگر از این تجربه‌ها بتوانیم آموزه‌ها را بیرون
بکشیم، توانایی شناخت فرصت‌ها را خواهیم داشت. پس ملت‌هایی که فرهنگ شفاهی دارند محکوم به تکرار
اشتباهاتشان هستند. این معنا را سعدی چنین بازگو می‌کند:

«حدیث پادشاهان عجم را
حکایت نامه‌ی ضحاک و جم را؛
بخوانند هوشمند نیک فرجام
نشاید کرد ضایع خیره ایام؛
مگر کز خوی نیکان پند گیرد
وز انجام بدان عبرت پذیرد»

عبرت پذیرفتن در دانش امروز روانشناسی مطرح است. اگر این بیت‌ها را در پنجاه سال پیش می‌خواندیم، چنین نبود و فهم سخن سعدی از این دید ممکن نمی‌شد. از این‌رو ما باید داده‌ها را پردازش کنیم تا به دانش برسیم و اگر دانش‌ها ما را به درک اصول برسانند، به سطح خرد دست خواهیم یافت. بنابراین، حقیقت چیزی ساکن و تغییرناپذیر نیست؛ بلکه با گذشت زمان، توسعه و تحول می‌یابد. آنچه در حال حاضر صادق است، ممکن است در آینده صادق نباشد؛ زیرا در آینده، افکار و نظریات دیگری بر حسب شرایط و اوضاع جدید، حقیقی شده و متداول می‌گردند. تمام امور تابع نتایج است و بنابر این، حق اهری اوست نسبی؛ یعنی وابسته به زمان، مکان و مرحله معینی از علم و تاریخ است. ما هیچ زمان به حقیقت مطلق نخواهیم رسید. زیرا علم ما، مسائل ما و مشکلات ما همیشه در حال تغییر است و در هر مرحله، حقیقت، آن چیزی خواهد بود که ما را قادر می‌سازد تا به نحو رضایت‌بخش، مسائل و مشکلات جاری آن زمان را بررسی و حل کنیم. در شعر سعدی، ادعای مستقیم و نزدیک به اذهان است و راه درازی را طی نمی‌کند، آیات سعدی بیانگر یک حال و تجربه عاطفی و روانشناختی است. سعدی به ضعف سرشتی انسان توجه دارد و پیش از همه آن را در خود سراغ می‌گیرد. از این رو بخشنده است. سخن در مورد سعدی و اثر بی‌بدیش، گلستان فراوان است. یکی از مباحثی که صاحب‌نظران از بحث پیرامون آن، غافل بوده‌اند، بحث علوم جدید، به ویژه روانشناسی در آثار سعدی بوده است. به نظر می‌آید از آنجایی که هدف سعدی تغییر و اصلاح رفتار افراد بشریت است و با تیزبینی ویژه‌ای که داشته و رفتار طوایف و طبقات و حتی نژادهای مختلف را تجربه کرده، معلمی زبده و کارآمد و آگاه بار آمده و آنچه می‌گوید، با نگاه تعلیم روانشناسی و تربیت مطابقت دارد، زیرا رفتار انسان از دیرباز تاکنون، مورد توجه اندیشمندان بوده و به شیوه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته و در هر دوره و زمانی، از اهمیت خاصی مربوط برخوردار بوده است. هر چند نامگذاری این دانش تحت عنوان روانشناسی به دوران جدید است؛ ولی این دانش در اصل قدمتی به اندازه‌ی حیات بشری دارد. روانشناسی که یکی از شاخه‌های علوم انسانی است، در تعریف و فایده‌ی این دانش گفته‌اند: روانشناسی شناختن رفتار خود و دیگران، بررسی علل و اسباب رفتار، توجه به شرایط معینی که باعث بروز رفتار خاصی می‌شوند و فهم تأثیر عوامل ارثی و عوامل مربوط به محیط جغرافیایی و اجتماعی و فرهنگی در رفتار افراد است. (شریعتمداری، ۱۳۸۳: ۶)

اگر همین تعریف و فایده آن را در نظر داشته باشیم، باید اذعان کنیم که بدنه‌ی اصلی این دانش به اصطلاح توپا در آثار سخنورانی که نوشته‌هایشان حاصل تجربه و تأمل آنان بوده؛ دیده می‌شود و سعدی شیرازی می‌تواند یکی از این افراد باشد. چون دانش‌های بشری هم چون تاریخ، علوم اجتماعی، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و به خصوص روانشناسی؛ انسان، حرکات، اعمال و رفتار او را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد؛ روانشناسان و دیگر دانشمندان علوم انسانی با پدیده‌ی واحدی به نام انسان سر و کار دارند. منتهی تفاوت آن‌ها در نقطه نظرات آن‌هاست. (ستوده، ۱۳۷۴: ۳۹)

از طرف دیگر چون محتوای آثار هنری و ادبی هر هنرمند و ادیبی از خصوصیات درونی و ویژگی‌های روانی او جدا نیست، آثار هر شاعری را می‌توان از منظر روانشناسی بررسی کرد. به عنوان مثال وقتی نظامی به منظومه‌های بزمی

روی می‌آورد و مثنوی خسرو و شیرین را به این زیبایی می‌سراید، در پایان اعتراف می‌کند که «شیرین» همان «آفاق»، معشوق دل‌بند خودش بوده است، بنابراین آن شور و حال و سوز و گدازی را که از زبان خسرو بیان می‌کند، زبان حال خودش بوده که در قالب این داستان ریخته و به «اتابک پهلوان» اهدا نموده است. (زرین کوب، ۱۳۷۲: ۷۶)

غلام‌حسین یوسفی در کتاب «چشمه‌ی روشن، دیداری با شعرا می‌گوید: سعدی در مقام هنرمندی بزرگ و روان‌شناس، بسیاری از نکات باریک و اندیشه‌های بلند خود را در لباس حکایات دل‌پذیر عرضه داشته است و این خصیصه موجب آمده که آراء جدی و استوار او به صورتی مطبوع در نظر خواننده جلوه می‌نماید و در او اثر می‌کند. (یوسفی، ۱۳۸۶: ۴۰-۲۳۹)

از این نوع سخنان در باب سعدی و فراگیری کلام او بسیار گفته‌اند. حال با بررسی و تحلیل شیخ در گلستان که حاصل تجربیات او بوده و چگونه به مسائل روانشناسی توجه داشته است.

سعدی سیاحی است با تجربه که با مسافرت در سرزمین‌هایی با فرهنگ‌ها و آداب و رسوم مختلف، به درک عمیقی از رفتار بشریت رسیده است. وی در بسیاری موارد با استادی تمام به مهندسی رفتار آدمیان می‌پردازد و راه‌حل‌های مناسب ارائه می‌دهد. درک او در مواجهه با مردمی که دارای سرشت‌های متفاوت‌اند، بسیار عمیق و آگاهانه است.

دیدگاه‌های او در مورد شیوه‌های تعلیم و تربیت، فانی بودن جهان مادی... همه نشان دهنده‌ی این است که بسیاری از گفته‌هایش در زمینه‌های مختلف بر یافته‌های نوین روانشناسی منطبق است و گویی سال‌ها در مکتبی خاص به تحصیل این علم پرداخته است؛ اگرچه مواظظ و نصاب شیخ و راهنمایی‌های وی در همه آثارش بعضاً قابل تطبیق با معیارهای روانشناسی است، ولی کتاب گلستان که محصول درک و استنباط او از سیر و سفرهایش و تأمل و مشاهده استقرایی و دقیق او در زندگی و رفتارهای انسان‌ها است؛ البته نمونه‌ای خاص و عملی، از مهندسی رفتار می‌باشد.